

## چهل و پنج اصل وحدت در امر بهائی

دکتر کریستوفر باک

### انواع وحدت و اتحاد طبق تعاریف موجود در آثار مبارکه

**اتحاد در دین:** "و این که دربارهٔ اتحاد سؤال نمودید، اتحاد در رتبهٔ اولیهٔ اتحاد در دین است و این اتحاد لازماً سبب نصرت امرالله در قرون و اعصار بوده و اجتماع سیف معنوی الهی است" (ادعیه محبوب، طبع مصر، ص ۳۸۸).

**اتحاد در قول:** "و اتحاد در مقامی اتحاد در قول است و این بسیار لازم است. مثلاً ملاحظه نما اگر دو نفس از اولیای حق در ارضی وارد شوند و در امری به اختلاف سخن گویند، سبب اختلاف شود و خود و سائرین از نعمت اتحاد که از قلم مولی الایجاد نازل شده محروم و ممنوع گردند. از جمله ناصر حق بیان بوده و هست. در این ظهور اعظم، اعمال و اخلاق جنود حقند و به نصرت مشغول. بیان اگر به اندازه گفته شود، رحمت الهی است و اگر تجاوز نماید سبب و علت هلاک. در الواح کلّ را وصیت فرمودیم به بیاناتی که طبیعت و اثر شیر در او مستور باشد تا اطفال عالم را تربیت نماید و به حدّ بلوغ رساند. بیان در هر مقامی به شأنی ظاهر و به اثری باهر و از او عرف خیر و شرّ متضوّع" (همان، ص ۳۸۹-۹۱).

**اتحاد اعمال:** "در مقامی اتحاد اعمال مقصود است..." (همان، ص ۳۹۱).

**اتحاد مقام:** "از جمله اتحاد مقام است و اوست سبب قیام امر و ارتفاع آن مابین عباد. برتری و بهتری که به میان آمد عالم خراب شد و ویران مشاهده گشت. نفوسی که از بحر بیان رحمن آشامیده‌اند و به افق اعلیٰ ناظرند، باید خود را در یک صقع و یک مقام مشاهده کنند. اگر این فقره ثابت شود و به حول و قوّه الهی محقق گردد، عالم جنّت ابهی دیده می‌شود. بلی انسان عزیز است، چه که در کلّ آیه حق موجود، و لکن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقی و ارفع دیدن خطائی است کبیر. طوبی از برای نفوسی که به طراز این اتحاد مزینند و من عندالله موفق گشته‌اند" (همان، ص ۳۹۶-۷).

**اتحاد اموال:** "از جمله اتحاد نفوس و اموال است و به این مقام ختم می‌نماییم ذکر اتحاد را امرأ من عندنا و أنا المقتدر المٌختار... و از این اتحاد مواسات ظاهر... این مقام فوق مساوات است. مساوات آن که انسان عبادالله را از آنچه حق جلّ جلاله به او عنایت فرموده محروم ننماید؛ خود متنعم و مثل خود را هم متنعم نماید. این مقام بسیار محبوب است. چه که کلّ از نعمت قسمت می‌برند و از بحر فضل نصیب. و آنان که سایرین را بر خود ترجیح می‌دهند، فی الحقیقه این مقام فوق مقام است، چنانچه ذکر شد و ما أنزله الرحمن فی الفرقان شاهد و گواه.

**اتحاد نفوس:** "و مقصود از اتحاد نفوس محبت‌الله و کلمه‌الله است که کلّ بر او جمع شوند و به او تمسک نمایند... اتحادهای مذکوره هر یک جُندی هستند از جُندالله و حزبی هستند از حزب‌الله و امری هستند از امرالله. اتحاد

نفوس از اول ابداع تا حین ناصر و معین حق بوده و خواهد بود. یعنی اتحادی که به امرالله و شرعه واقع شود. در این مقام اتحاد از این رتبه تجاوز نمی نماید." (همان، ص ۴۰۱).

**وحدانیت الهیه:** "باید هر یک لله تفکر نمایند مخصوص در توحید الهی...". (همان، ص ۴۰۴).

**وحدانیت مظاهر ظهور:** چون این اطیبار عرش باقی از سماء مشیت الهی نازل می گردند و جمیع بر امر مبرم ربّانی قیام می فرمایند، لهذا حکم یک نفس و یک ذات را دارند. چه، جمیع از کأس محبت الهی شاریند و از اثمار شجره توحید مرزوق... امثال این بیانات که مُشعر بر توحید آن مواقع تجرید است، از مجاری بیانات ازلیّه و مخازن لئالی علمیه ظاهر شده و در کتب مذکور گشته... " (ایقان، ص ۱۱۸) و نیز "امر بهائی معتقد به وحدانیت الهیه، وحدت مظاهر ظهور ربّانیه، و وحدت اصلیه کامله تمامی عالم انسانی است" (ترجمه / بیانیه حضرت ولی امرالله، ۱۹۴۷، به کمیته ویژه سازمان ملل متحد در امور فلسطین).

**وحدت سیاسی:** "شمع اول وحدت سیاسیست و جزئی اثری از آن ظاهر گردیده" (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۵۷).

**وحدت آراء و اندیشه:** "شمع دوم وحدت آراء در امور عظیمه است آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد" (همان، ص ۳۵۸).

**وحدت آزادی:** "شمع سوم وحدت آزادی است آن نیز قطعاً حاصل گردد" (همان)

**وحدت دینی (وحدت ادیان):** "شمع چهارم وحدت دینی است این اصل اساس است و شاهد این وحدت در انجمن عالم به قوت الهیه جلوه نماید" (همان). و نیز: "هیكل مبارک از استماع ایمان و ایقان عظیم شما به امر حضرت بهاءالله و درک شما از این حقیقت اساسی که کلیه انبیاء الهی دارای توحید ذات و تفرید روح هستند، مسرور شدند. این، یعنی کسب معرفت نسبت به وحدت کلیه ادیان، یکی از مواهب عظیمه امر الهی برای ناس است" (ترجمه - مکتوب ۵ مه ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله مندرج در صفحات ۷۷-۷۸، *Messages to Canada*, Thornihill, On: Baha'i Canada Publications, 1957).

**وحدت وطن:** "شمع پنجم وحدت وطن است در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز به نهایت قوت ظاهر شود جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند" (همان).

**وحدت جنس (وحدت نژادها):** "شمع ششم وحدت جنس است جمیع من علی الارض مانند جنس واحد شوند" (همان).

**وحدت زبان:** "شمع هفتم وحدت لسان است یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند" (همان). "الیوم اعظم احتیاج عالم انسانی از میان بردن سوء تفاهمات موجود در میان ملل عالم است. این با وحدت لسان حاصل شود. اگر وحدت لسان تحقق نیابد، صلح اعظم و وحدت عالم انسانی کما ینبغی و یلیق معمول نشود و تأسیس نگردد، چه که وظیفه لسان بیان منویات قلوب انسانها است" (ترجمه - خطابه حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۶۰ *The Promulgation of Universal Peace*).

**وحدت حقیقیه:** "اما مسأله وجود حقیقی که ما یتحقّق به الأشیا است یعنی حقیقت ذات احدیت که جمیع کائنات به او وجود یافته، متفق علیه است اما تفاوت در اینجا است که صوفیه می گویند حقایق اشیا ظهور واحد حقیقی است و

انبیا می‌فرمایند صادر از واحد حقیقی است و تفاوت میان ظهور و صدور بسیار است" (مفاوضات، فصل ۸۲ (فب)).

**وحدت بهائی:** "وحدت بهائی را از دست ندهید و وحدت بهائی جز به تمسک به میثاق الهی ممکن نه" (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۰۹). و نیز: "اگر جمال این دلبر ملکوتی یعنی وحدت احباً به طراز ملکوت ابهی جلوه نماید یقین است که در اندک مدتی آن ممالک جنت ابهی گردد و انوار توحید و یگانگی از غرب به جمیع جهان بتابد" (همان، ص ۸۱). و نیز: "به جان و دل بکوشید تا میان سیاه و سفید الفت اندازید و وحدت بهائی را اثبات کنید که ابداً الوان حکمی ندارد بلکه قلوب حکم دارد الحمدلله قلوب احباً متحد و متفق است ولو یکی شرقی و یکی غربی یکی جنوبی یکی شمالی یکی آلمانی و یکی فرانسوی یکی ژاپانی یکی امریکائی یکی ابیض یکی اسود یکی احمر یکی اصفریکی اسمر اختلاف الوان و اختلاف اوطان و اختلاف اجناس در امر بهائی حکمی ندارد بلکه وحدت بهائی بر کلّ غالب جمیع این اوهمات را زائل می‌نماید" (همان، ص ۱۰۹).

**وحدت محفل روحانی:** "اول شرط محبت و الفت تامّ بین اعضاء آن انجمن است که از بیگانگی بیزار گردند و یگانگی حضرت پروردگار آشکار کنند زیرا امواج یک بحرند و قطرات یک نهر نجوم یک افقند و اشعه یک شمس درختان یک بوستانند و گلهای یک گلستان" (همان، ص ۸۴)

**وحدت حقیقت:** "امیدوارم که دیگران نیز چشمی روشن و گوش‌شنوا یابند و به حیات ابدیه فائز گردند تا این نهرها که در مجاری متعدده مختلفه الشکل جاری راجع بمحیط اعظم شوند یک بحر گردند و یک موج زنند و ارتباط و اتحاد تامّ حاصل نمایند تا وحدت حقیقت به قوه الهیه این اختلاف مجاز را از میان بردارد و اساس اصلی این است اگر این حاصل گردد مسائل سائره بالطبع زائل شود" (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۲۸).

**وحدت عالم انسانی / وحدت جهانی:** "لهذا اتفاق کلّ و اتحاد عموم ممکن الحصول و این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است" (همان، ص ۳۰) و نیز: "اتحاد اهل عالم درخشان‌ترین مرحله‌ای است که حال جامعه انسان رو به آن روان است. اتحاد خانواده و قبیله و اتحاد دولت شهری و اتحاد ملّی مراحلی است که بشر آن را پیموده و با موفقیت پشت سر گذاشته است و امروز اتحاد جهان است که هدف و مقصد بشر سرگردان است" (نظم جهانی بهائی، ص ۱۵۳) و نیز: "تا به حال وحدت عالم انسانی فقط اهمّیتی علمی داشت. حال، بیش از پیش موضوع تفکر و تأمل دولت‌مردان در سطح بین‌المللی می‌شود و در میدان سیاست عملی مطرح می‌گردد. لهذا، فرصتی بدیع برای ما است که قدم به میدان گذاریم و این تعلیم مبارک را که هدف و مقصد اصول و تعالیم اجتماعی حضرت بهاءالله است تشریح نماییم. حضرت ولی امرالله امیدوارند احبّای الهی این صلاهی دعوت به وحدت اصلیه را انعکاسی جدید بخشند تا بخشی از ایمان آگاهانه هر فردی از آحاد نفوس انسانی در عالم گردد"

(ترجمه - مکتوب ۲۸ ژانویه ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله به محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا، مندرج در صفحه ۳۲ Peace (تدوین شده توسط دارالتحقیق بین‌المللی، نشر ۱۹۸۵ مرکز جهانی بهائی، حیفای).  
**وحدت وجدان:** "حال صلح عمومی امری است عظیم ولی وحدت وجدان لازم است که اساس این امر عظیم گردد تا اساس متین شود و بنیان رزین گردد" (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۲۸۶).

**وحدت علم و دین:** [تعالیم حضرت بهاءالله] "مبنی بر وحدت علم و دین و تحرّی حقیقت" است. (همان، ص ۱۰۶)  
**وحدت تربیت:** "تعلیم هشتم حضرت بهاءالله تربیت عموم لازم است و وحدت اصول و قوانین تربیت نیز از الزم امور تا جمیع بشر تربیت واحده گردند. یعنی تعلیم و تربیت در جمیع مدارس عالم باید یکسان باشد اصول و آداب یک اصول و آداب گردد" (خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۱۴۸). و نیز: "حضرت بهاءالله وحدت تربیت را اعلان نموده که به جهت اتّحاد عالم انسانی لازم است که جمیع بشر یک تربیت شوند رجلاً و نساءً دختر و پسر تربیت واحد گردند و چون تربیت در جمیع مدارس یک نوع گردد ارتباط تامّ بین بشر حاصل شود و چون نوع بشر یک نوع تعلیم یابد وحدت رجال و نساء اعلان گردد بنیان جنگ و جدال بر افتد و بدون تحقّق این مسائل ممکن نیست زیرا اختلاف تربیت مورث (موجب) جنگ و نزاع؛ مساوات حقوق بین ذکور و اناث مانع حرب و قتال است. زیرا نسوان راضی به جنگ و جدال نشوند. این جوانان در نزد مادران خیلی عزیزند هرگز راضی نمی‌شوند که آنها در میدان قتال رفته و خون خود را بریزند. جوانی را که بیست سال مادر در نهایت زحمت و مشقّت تربیت نموده، آیا راضی خواهد شد که در میدان حرب پاره پاره گردد؟ هیچ مادری راضی نمی‌شود و لو هر اوهامی به عنوان محبّت وطن و وحدت سیاسی وحدت جنس وحدت نژاد و وحدت مملکت اظهار دارند و بگویند که این جوانان باید بروند و برای این اوهامات کشته شوند. لهذا وقتی که اعلان مساوات بین زن و مرد شد یقین است که حرب از میان بشر برداشته خواهد شد و هیچ اطفال انسانی را فدای اوهام نخواهند کرد" (خطابات، ج ۲، ص ۶-۱۳۵)

**وحدت رجال و نساء:** "حضرت بهاءالله اعلان وحدت حقوق رجال و نساء فرمود که مرد و زن هر دو بشرند و بندگان یک خداوند نزد خدا ذکور و اناث نیست هرکس قلبش پاک تر و عملش بهتر در نزد خدا مقرب تر خواه مرد باشد خواه زن. این تفاوتی که الآن مشهود است از تفاوت تربیت است زیرا نساء مثل رجال تربیت نمی‌شوند اگر مثل رجال تربیت شوند در جمیع مراتب مساوی شوند زیرا هر دو بشرند و در جمیع مراتب مشترک خدا تفاوتی نگذاشته" (خطابات، ج ۲، ص ۳۰-۲۲۹). و نیز: "حضرت بهاءالله وحدت تربیت را اعلان نموده که بجهت اتّحاد عالم انسانی لازم است که جمیع بشر یک تربیت شوند رجلاً و نساءً دختر و پسر تربیت واحد گردند و چون تربیت در جمیع مدارس یک نوع گردد ارتباط تامّ بین بشر حاصل شود و چون نوع بشر یک نوع تعلیم یابد وحدت رجال و نساء اعلان گردد" (همان، ص ۱۳۵).

**وحدت زن و شوهر:** "در میان خلق ازدواج عبارت از ارتباط جسمانی است و این اتّحاد و اتّفاق موقت است زیرا فرقت جسمانی عاقبت مقرر و محتوم است ولیکن ازدواج اهل بها باید ارتباط جسمانی و روحانی هر دو باشد زیرا هر دو

سرمست یک جامند و منجذب به یک طلعت بی مثال؛ زنده به یک روحند و روشن از یک انوار. این روابط روحانیه است و اتحاد ابدی است و همچنین در عالم جسمانی نیز ارتباط محکم متین دارند ارتباط و اتحاد و اتفاق چون از حیثیت روح و جسم هر دو باشد آن وحدت حقیقی است لهذا ابدی است" (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۱۴)

**وحدت عائله:** "چون اتحاد و اتفاق در میان خاندانی واقع شود چه قدر امور سهل و آسان گردد و چه قدر ترقی و علویت حاصل شود امور منتظم گردد و راحت و آسایش میسر شود خاندان محفوظ ماند مقام محفوظ شود سبب غبطه عموم گردد و روز به روز بر علویت و عزت ابدیه بیفزاید" (همان، ص ۲۶۸). و نیز: "حضرت بهاءالله برای تأسس وحدت در عالم ظاهر شدند و یکی از موارد اساسیه وحدت، وحدت عائله است" (ترجمه - مکتوب اول اوت ۱۹۷۸ بیت العدل اعظم). "یکی از تعالیم اساسیه امر مبارک لزوم حفظ وحدت و اتحاد در منزل است" (مکتوب ۶ ژوئیه ۱۹۵۲ بیت العدل اعظم).

**وحدت احساسات:** "جمیع عائله واحده ملت واحده جنس واحد وطن واحد سیاست واحده احساسات واحده و تربیت واحده گردیم" (خطابات، ج ۲، ص ۱۳۷).

**وحدت نوع:** "در حالتی که حیوان عقل ندارد ادراک ندارد با وجود این الوان سبب اختلاف نمی شود، چرا انسان که عاقل است اختلاف میکند؟ ابدأ سزاوار نیست علی الخصوص سفید و سیاه از سلاله یک آدمند از یک خاندانند در اصل یکی بوده اند یک رنگ بوده اند. حضرت آدم یک رنگ داشت حوا یک رنگ داشت سلاله جمیع بشر به آنها میرسد پس اصل یکی است این الوان بعد به مناسبت آب و اقلیم پیدا شده ابدأ اهمیت ندارد" (خطابات، ج ۲، ص ۴۰).

**وحدت امر بهائی:** "حضرت ولی امرالله معتقدند که وحدت امر بهائی، به صورت یک کلّ کامل و تمام که شامل امر حضرت باب نیز بشود، باید مورد تأکید قرار گیرد ... امر حضرت باب را نباید از امر حضرت بهاءالله منتزع نمود. اگرچه تعالیم بیان به احکام کتاب اقدس منسوخ و جایگزین گردیده، اما چون حضرت باب خود را مبشر به ظهور حضرت بهاءالله محسوب می فرمایند، ما باید دور بایی را همراه با دور حضرت بهاءالله تشکیل دهنده یک واحد بدانیم، که دور بایی مقدمه ای بر ظهور دور بهائی است. دقیقاً همانطور که ظهور یحیی تعمیددهنده - که طبق مآخذ گوناگون بنفسه منزل احکامی بوده که تعالیم جاری در میان یهود را منسوخ نموده - بخشی از دور مسیحی را تشکیل می دهد، ظهور حضرت باب هم جزء تفکیک ناپذیر امر بهائی محسوب می شود" (ترجمه - مکتوب ۳۰ نوامبر ۱۹۳۰ مندرج در صفحات ۲۷-۴۲۶، London, UK Baha'i Publishing Trust, *Unfolding Destiny* (1981).

**وحدت معنوی خداوند و مظاهر ظهورش:** "به علاوه عبارت "انّه نفسی" حاکی از وحدت معنویّه خداوند و مظاهر ظهور الهی است که در کتاب مستطاب ایقان نیز بیان گردیده نه آن که حضرت عبدالهّاء نفس حضرت بهاءالله باشند.

چنین عقیده‌ای با اصل وحدت مظاهر الهیه که کراراً در الواح و بیانات مبارکه تصریح و در فقرات مذکوره نیز تلویحاً تأکید گردیده است مباین و متناقض است" (دور بهائی، ص ۶۴)

**وحدت در کثرت:** "اساس نظم اداری بهائی اصل وحدت در کثرت است، که در آثار مبارکه این دور قویاً و مکرراً تأکید شده است" (ترجمه - مکتوب ۲ ژانویه ۱۹۳۴ حضرت ولی امرالله مندرج در ص ۴۸ کتاب *Dawn of a New Day*، طبع دهلی نو، مؤسسه ملی مطبوعات امری هندوستان).

**وحدت عقیدتی:** "وحدت عقیدتی و وحدت اداری دو رکن اصلی از ارکانی است که بنای امرالله بر آن استوار، و آن را از اریاح و عواصف شدیدۀ مخالفت که به شدت علیه آن در هبوب، محفوظ و مصون خواهد داشت" (ترجمه مکتوب ۵ سپتامبر ۱۹۳۶ حضرت ولی امرالله مندرج در ص ۶۱ مأخذ فوق)

**وحدت اداری:** "تفاوت‌ها و اختلافاتی که اساسی و مباین با تعالیم اصلیه امر مبارک نیست، باید حفظ گردد، و در عین حال وحدت اساسیۀ نظم اداری باید به هر قیمت حفظ و تضمین شود" (ترجمه - مکتوب ۲ ژانویه ۱۹۳۴ حضرت ولی امرالله مندرج در صفحه ۴۸ مأخذ فوق). "وحدت عقیدتی و وحدت اداری دو رکن اصلی از ارکانی است که بنای امرالله بر آن استوار، و آن را از اریاح و عواصف شدیدۀ مخالفت که به شدت علیه آن در هبوب، محفوظ و مصون خواهد داشت" (ترجمه مکتوب ۵ سپتامبر ۱۹۳۶ حضرت ولی امرالله مندرج در ص ۶۱ مأخذ فوق). "شما که از احبای مخلص و مجرب هستید، باید هر آنچه را که در قوه دارید برای ترغیب و اقناع احبّاء به حفظ وحدت جهت صیانت از امر مبارک مبذول نمایید. مادام که جمیع احبّای الهی معتقد باشند که در این موضوع هیچ ایثار و فداکاری شخصی در صرف نظر کردن از احساسات یا عقاید شخصی خویش برای حفظ وحدت نظم اداری در آنجا و وحدت آحاد احبّاء عظیم و مهمّ نیست، مشکل و معضل هامبورگ غلبه‌ناپذیر نخواهد بود" (ترجمه - مکتوب دوم مارس ۱۹۴۹ حضرت ولی امرالله مندرج در صفحه ۸۰ جلد دوم *The Light of Divine Guidance*، طبع هوفهایم، لانگنهاین، بهائی فرلاگ، ۱۹۸۵).

**وحدت هدف:** "وقتی وحدت هدف در کمال متانت و استحکام در افکار و اذهان ما تثبیت گردد، و هرگونه شائبۀ خصومت شخصی از قلوب ما زائل شود، و روح محبت و وداد قلبی و مستمرّ نفوس ما را منور سازد، می‌توانیم امیدوار باشیم که پیام حضرت بهاءالله را به نحوی مؤثر ابلاغ نماییم، و شرایط مختلفۀ مندرجه در الواح وصایای مولای محبوبمان را تماماً و دقیقاً اجرا کنیم" (ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله مندرج در صفحات ۳۵-۳۶ کتاب *Baha'i Administration* (طبع ویلمت، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۹۷۴).

**وحدت وسیله:** "فی الحقیقه، وحدت هدف و وحدت وسیله برای فعالیت مطمئن و سریع هر محفلی، اعم از محلی یا ملی، لازم و اساسی است" (ترجمه - مکتوب ۲ ژانویه ۱۹۳۴ حضرت ولی امرالله مندرج در ص ۴۸ کتاب *Dawn of a New Day*).

**وحدت جامعه جهانی:** "وحدت نوع انسان به نحوی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده مستلزم آن است که یک جامعه متحد جهانی تشکیل یابد که در آن تمام ملل و نژادها و ادیان و طبقات کاملاً و پیوسته متحد گشته و در عین حال استقلال دول عضو و آزادی و ابتکار اعضاء مرکبهاش تماماً و یقیناً محفوظ مانده باشد ... در چنان جامعه‌ای یک هیأت مجریه به پشتیبانی یک نیروی پلیس بین المللی مصوبات هیأت مقننه را اجراء کند، به تنفیذ قوانینش پردازد و وحدت اصلیه تمام جامعه جهانی را حفاظت نماید" (نظم جهانی بهائی، ص ۱۵۵).

**وحدت فکر و عمل:** "نفوسی که از این موهبت برخوردار بوده‌اند که در انجمن شور روحانی حضور یابند باید در مراجعت به اوطان خود روحی را که در آنجا احساس نمودند منتقل نمایند و احباء را از تصمیماتی که وکلای انجمن اتخاذ نمودند مستحضر نمایند تا مساعی جمعی مشترک مبذول گردد و وحدت فکر و عمل، حد اقل در مواضع اصلیه این سنه، اتخاذ گردد" (ترجمه - مکتوب ۱۰ اکتبر ۱۹۲۸ مندرج در ص ۲۸ *Messages to Canada*، انتشارات بهائی کانادا، تورن هیل، اونتاریو، ۱۹۵۷).

**وحدت رویه:** "شما را به به اعلی درجه وحدت مؤثر و جدی رویه توصیه می‌کنم" (ترجمه - مکتوب ۲۸ آوریل ۱۹۴۸ حضرت ولی امرالله، مندرج در صفحه ۱۰۴ مأخذ فوق). و نیز: "اعظم تعالیم اساسیه حضرت بهاءالله وحدانیت الهیه و وحدت عالم انسانی است. این حلقه وحدت و اتحاد در میان بهائیان در سراسر عالم است. آنها ابتدا خود متحد شوند و سپس به تأسیس وحدت در میان سایرین پردازند. ایجاد وحدت مستحیل مگر آن که خود متحد باشند. مسیح فرمود: "شما ملح ارضید؛ اگر ملح فاسد شود، ارض به چه چیز نمکین گردد؟" پس ثابت شد که اختلافات و عدم وحدت در میان مؤمنین حضرت وجود داشته است. بدین لحاظ است که توصیه به وحدت رویه فرمود" (ترجمه - خطابه حضرت عبدالبهاء مندرج در ص ۱۵۶ *The Promulgation of Peace*).

**وحدت تصمیم:** "ابتکار جلیل و شروع نقشه‌های خطیری را که مرحله اولیه نقشه تاریخی را رقم می‌زند به جامعه و نیز نمایندگان انجمن شور ملی تبریک می‌گویم. شواهد حاکی از روحی متعالی است که به وحدت تصمیم اختصاص یافته و تحقق مقدرات فوری سرزمینی را نوید می‌دهد که مشحون از وعود الهیه برای مملکتی بسیار وسیع و موهوب به امکانات و استعدادات گسترده بالقوه است، مورث مسرت فوق‌العاده گردید" (ترجمه - تلگراف ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۸ حضرت ولی امرالله، مندرج در ص ۱۰۵ *Messages to Canada*).

**وحدت روحانیه مکتبسه از روح قدسی الهی:** "وحدت دیگر عبارت از وحدت روحانی است که از نفثات روح القدس نشأت گیرد. این اعظم از وحدت عالم انسانی است. وحدت یا اتحاد نوع بشر عبارت از جسم است اما وحدت حاصل از نفثات روح القدس روحی است که جسم مزبور را حیات بخشد. این وحدت کامله است ... این وحدت همان روح نباض در جسم عالم است" (ترجمه - خطابه حضرت عبدالبهاء مندرج در صص ۲-۱۹۱ *The Promulgation*).

**وحدت ملل/وحدت بین المللی:** "امروز عالم بشر محتاج وحدت عالم انسانی است" (خطابات، ج ۲، ص ۱۷) [برداشت نویسنده از ترجمه این بیان بوده که به "وحدت بین المللی و ائتلاف" برگردانده شده است - م] "حال که در سینسیناتی، در منزل پرزیدنت تافت، جالسیم که خدمتی عظیم و شریف به امر صلح فرموده، خطابی به اهالی سینسیناتی و عموم امریکا بیان می‌کنم. در شرق به من گفتند که در امریکا عاشقان صلح بسیارند. لهدا، ترک وطن نمودم تا در اینجا با نفوسی که علمداران اتفاق و ائتلاف بین المللی اند معاشرت و مصاحبت نمایم. در سفر از ساحل شرق به ساحل غرب، ایالات متحده را وسیع و مترقی، حکومت را عادل و منصف، ملت را شریف و مستقل مشاهده کردم. در بسیاری از اجتماعات حضور یافتیم که صلح عمومی مورد بحث بود و همواره از مشاهده نتایج چنین جلساتی فوق العاده مسرور شدم، چه که یکی از اعظم تعالیم بهاء الله تأسیس اتحاد و اتفاق بین اهل عالم است. بهاء الله پنجاه سال قبل این اصل را در شرق تأسیس کرد و تعلیم فرمود. او وحدت بین المللی را اعلام کرد، ادیان عالم را به اتحاد و اتفاق دعوت فرمود و محبت و وداد را در میان بسیاری از اجناس، فرق و جوامع تأسیس کرد. در آن زمان رسائی به سلاطین و امرای ارض مرقوم فرمود و از آنها خواست که قیام نمایند و در انتشار این اصول و تعالیم با او معاضدت نمایند و فرمود که ثبات و ترقی عالم انسانی تنها با وحدت ملل تحقق خواهد یافت" (ترجمه - خطابه حضرت عبدالهء مندرج در صفحه ۳۸۸ *Promulgation*).

**وحدت شرق و غرب:** "امروز که سعی می‌کنیم بین شرق و غرب اتحاد ایجاد کنیم، معضلی به مراتب بزرگتر پیش روی ما قرار دارد. حضرت بهاء الله به قوتی سماوی شرق و غرب را متحد فرمود" (ترجمه - خطابه حضرت عبدالهء مندرج در ص ۱۸ *Promulgation*). و نیز: "اعظم امید و آرزوی من آن است که ارتباطی قوی و زوال ناپذیر بین ملت امریکا و امم شرق تأسیس گردد. این دعای من به ساحت خداوند است. امید است روزی برسد که در اثر قوای الهی و روحانی در عالم انسانی ادیان متحد گردند و کلیه نژادها و اجناس نوع بشر در کمال محبت و اتحاد اجتماع نمایند. حضرت بهاء الله پنجاه سال قبل، در خطابات قلم اعلی به سلاطین و امرای عالم، صلح ملل و وحدت ادیان الهی را اعلام فرمود. لهدا، اعظم آمال من وحدت شرق و غرب، صلح عمومی و وحدت عالم انسانی است" (ترجمه - خطابه حضرت عبدالهء مندرج در صفحه ۳۴۲ *Promulgation*).

**وحدت شهادت:** "باری، تعالیم کتب مقدسه مستلزم قوای الهی است تا در نهایت اتقان در قلوب انسانی استقرار یابد. حضرت بهاء الله در ایران نفوسی را تربیت و تعلیم فرمود، در میان امم مختلفه پیوند اتحاد برقرار کرد و عقاید متنوعه دینی را چنان وحدتی بخشید که بیست هزار نفس، در وحدت پر جلال و شکوه شهادت، خود را برای امر الهی فدا کردند. در میان این نفوس مقدسه - اعم از مسیحی، کلیمی، مسلمان، زرتشتی - هیچ اختلافی باقی نماند؛ جمیع به قوه آسمانی حضرتش، نه به صرف قول، نه فقط با این کلام که وحدت مطلوب است و محبت ممدوح، متحد و متفق گشتند" (ترجمه - خطابه حضرت عبدالهء مندرج در صفحه ۲۴۹ *Promulgation*).



**وحدت سیاست ملی:** "و اما ملت امریکا، این ملت شریف، ذکی، متفکر، متأمل، تحت تأثیر انگیزه‌های توسعه اراضی و شهوت سلطه نیست. حدود و ثغورش همچون جزیره و از لحاظ جغرافیایی جدا و مجزا از سایر ممالک است. در اینجا وحدت علائق و وحدت سیاست ملی مشاهده می‌کنیم. اینها حقیقتاً ایالات متحده‌اند. لهذا، این ملت دارای ظرفیت و قابلیت است که علم و رایت صلح بین‌المللی را به اهتزاز آورد" (ترجمه - خطابه حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۳۹۶ *Promulgation*).

**وحدت اماءالرحمن:** "خبر مربوط به اتحاد، اتفاق، ارتباط و وحدت اماءالرحمن و احبای الهی در آن اقطار سبب نهایت مسرت و بهجت گردید. این دال بر آن است که امر الهی عنقریب در آن مملکت ثمر بخشد و نتایج عالی به بار آورد" (ترجمه - لوح مبارک حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۶۶۳ *Tablets of Abdu'l-Baha Abbas*). و نیز: "مکتوبت را خواندم. حاکی از آن بود که قلبت به اندیشه محبت الهی می‌طپد و خبر از وحدت اماءالرحمن، و اتفاق آنها بر کلمة الله و انجذاب آنها به نفحات الهیه می‌داد؛ چه که امواج بک بحرند و اوراق یک شجر و ازهار یک حدیقه" (ترجمه - لوح مبارک حضرت عبدالبهاء، مندرج در صفحه ۲۴۷ مأخذ فوق).